

انتظار فرج

قبل از هر چیز باید بدانیم انتظار دو نوع است: انتظار فرج به معنی رفع مشکلات و گشایش کارها و انتظار فرج به معنی ظهور آخرین مصلح جهانی، حضرت مهدی (عج).

درباره هر دو نوع انتظار فرج توصیه‌هایی شده است. مثلاً فرموده‌اند: «انتظار فرج عبادت است»، «برترین عبادت، انتظار فرج است» پیامبر ﷺ نیز درباره امت خود فرمود: «بهترین عمل امت من انتظار فرج از سوی خداوند است.»

«بر شما باد به تسلیم و رد امور به ما و انتظار امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج شما». معلوم می‌شود «انتظار فرج» چه به معنای اول چه به معنای دوم، در اسلام جایگاه مقدسی دارد.

اما به راستی انتظار چیست؟

اگر اندکی به خود باییم و به زندگی روزانه خودمان نگاه کنیم، می‌بینیم انتظار سراسر زندگی ما را فراگرفته است. زندگی بدون انتظار یعنی زندگی بدون شور و نشاط. یعنی زندگی بدون امید. مگر تلاش ما برای فردا و فرداهایی بهتر نیست؟ آمدن فرداهایی که ما منتظر آن هستیم، جز با انتظار ممکن نیست. البته انتظار با زور و جبر هم ارزشی ندارد. انتظاری بهترین عمل و عبادت است که از روی اختیار و آگاهانه باشد نه اینکه بگوییم: منتظر نباشم، چه کار کنم؟

انتظار واقعی البته به زندگی روزانه محدود نمی‌شود. انتظار، آرمان‌ها و هدف‌ها را هم در بر می‌گیرد. اندیشه و عمل ما را هم تغییر می‌دهد تا به آنچه انتظار می‌کشیم و امید داریم، پیوند بخوریم. این انتظار باعث می‌شود با مشکلات زندگی مبارزه کنیم و موانع را کنار بزنیم و خود و محیط اطراف خود را برای آن آرمان و هدف آماده سازیم؛ دقیقاً مانند بیماری که انتظار خوب شدن دارد، به همین خاطر می‌کوشد تا بیماری خود را برطرف نماید.

آن وقت است که دیگر انتظار فقط به معنی صبر نیست و اگر به هدف هم دست نیابیم، همین منتظر بودن مهم است. «منتظر - اگر بمرید - همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه او بوده باشد»؛ چون عمل این شخص مانند سرباز وظیفه‌ای است که همیشه در حال آماده باش است.*

* فهرست منابع در دفتر مجله موجود است.

حرفی از هزاران

وظیفه شیعیان در زمان غیبت یا دقیق‌تر، وظیفه منتظران در زمان غیبت چیست؟

هیچ وقت و هیچ کس نبوده که تکلیفی نداشته باشد. بعضی‌ها چون نمی‌دانند، برای خودشان تکلیف می‌تراشند و بعضی هم می‌دانند و عمل می‌کنند و بعضی هم می‌دانند، ولی عمل نمی‌کنند!

حالا تکلیف کسانی که در انتظار روز موعود به سر می‌برند تا تکلیفشان مشخص شود، چیست؟

این عده که منتظرند، باید بدانند:

- شناخت امام فقط دانستن سن و سال و مشخصات ظاهری امام نیست، بلکه معنای امام بودن را هم باید درک کنند تا هم فریب مدعیان را نخورند و هم بتوانند از او پیروی کنند و راه او را بروند.

- دوری امام نباید سبب فراموشی ایشان شود. پس نباید آن روز که شب‌ها و روزها و حتی جمعه‌ها مان تکراری شده باشد.

- برای سلامتی آقا صدقه کنار بگذارند.

- هر وقت و هر جا از امام نام بردند، بی تفاوت نباشند. اگر شد، بایستند و اگر نشد، صلواتی هدیه‌اش کنند یا دعایش کنند. خلاصه، معرفت‌تان را نشان دهید به آقا؛ چون برای حضرت مهم است که یک نفر این قدر به او ارادت دارد.

- برای داشتن ایمانی بهتر و حفظ آن و عاقبت به خیری دعا کنند. چه خوب است که در هر روز بخوانیم آن دعای معروف را که در مفاتیح آمده است: «اللهم انت عرفتنی نفسک و عرفتنی رسولک و عرفتنی ملائکتک و عرفتنی نبیک و عرفتنی ولاء امرک» یا دعای دیگری که این طور شروع می‌شود: «عرفتنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک. اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی» یا دعای غریقی که معروف‌تر است: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقب القلوب ثبت قلبی علی دینک» یا دعای عهد یا...

- علاوه بر اینکه باید همواره از یاد ایشان غافل نبود، بی‌کار هم نباید نشست؛ جامعه را

اصلاح کنند، امر به معروف و نهی از منکر را هر طور که می‌توانند، با هر زبانی انجام دهند. - خودشان را باید به صفات نیک آراسته گردانند تا در شمار یاران حضرت قرار گیرند. - در مجالسی که برای حضرت بر پا می‌شود، شرکت کنند و ارادت خود را به آن جناب نشان دهند.

- حضرت را زیارت کنند و سلام بدهند.

- امام را اگر شناختند، به دیگران هم معرفی کنند. تبلیغ یادش نرود.

- کارهای خیر همچون صدقه دادن، زیارت رفتن، حج به جا آوردن و قرآن خواندن را به نیابت از امام انجام دهند. همه اینها را اگر هدیه کنید، چه بهتر.

- دعا را هرگز فراموش نکنند. هم دعا برای امام هم دعا برای ظهور.

اینها از جمله وظایف مهمی بود که منتظر باید انجام دهد. بیشتر از اینها را می‌توانید در کتاب آیین انتظار که ترجمه و خلاصه کتاب معروف «مکیال المکارم» است ببینید.

فاطمه مرادی

سال‌هاست که از فرط دوری تو هر جمعه، صبح تا غروب چشم به راه آمدنت هستم و ذره‌ای از آفتاب نگاه تو را آرزو دارم که با نگاه تو وجودم سرشار از عشق شود و چون پرنده سبکیال فاصله‌ها را درنوردم و سرود عشق تو را هر روز سر می‌دهم. با من بگو کی نوای خوش آمدنت در گوش زمان می‌پیچد؟ تو نیستی، زندگی بیهوده در کوجهای زمان قدم می‌زند.

عزیزا! سجاده عشق را در کدام وادی پهن کرده‌ای. کدام محراب بوسه بر پیشانی‌ات می‌زند. ای حجم بی‌انتهای آرامش! در تمامی لحظه‌هایم با درخششی تابناک و مهربان جاری می‌شوی، اما دریغ از یک نگاه. با اینکه از نظر پنهانی، ولی همه ذهنم آینه توست. کاش می‌شد لحظه‌ای زلالی نگاهت را به آینه‌ها بسپاری و بهار لحظه‌هایم را تداومی جاودانه بخشی.